یادداشت

نیاز افغانستان به اراده بین‌المللی و پاکسازی فساد حاکمیتی

● **اردشیر زارعی‌قنواتی:** تحولات افغانستان بعد از بیش از ۴۰ سال جنگ و بی‌ثباتی که از همان ابتدا تابع رقابت‌های جهانی در چارچوب «جنگ سرد» با دخالت مستقیم خارجی انجام شد و تا امروز همچنان در اشکال مختلف ادامه دارد، تصویری فراتر از خاکستری را در جهان معاصر به نمایش گذاشته است. در این چهار دهه جنگ و هرج‌ومرج می‌توان چهار مقطع تاریخی را مورد ارزیابی قرار داد که هر کدام تابع مشخصه‌های روشن و البته کاملا تحت تاثیر عامل خارجی با کمک بستر محلی برای زایش عامل داخلی موجب این وضعیت ناخوشایند بوده است. در مقطع اول می‌توان به تلاش جمع بزرگی از افسران و نظامیان ارتش ملی علیه «داود خان» و برآمدن جمهوری دموکراتیک افغانستان اشاره کرد که از حمایت اتحاد جماهیر شوروی برخوردار بود. این تحول که از طرف دولت جدید به انقلاب «ثور» معروف است، جدا از توازن قوای داخلی در ابعاد بزرگ‌تر و تابع توازن قوای جهانی در چارچوب رقابت بین دو بلوک رقیب در چارچوب جنگ سرد موجب شد که اردوگاه امپریالیستی و ارتجاع منطقه‌ای با زایش و گسیل بنیادگرایی اسلامی در قالب گروه‌های جهادی نه تنها جنگ را بر این کشور تحمیل کند که حتی کانون رقابت‌های جهانی را هم به این سرزمین منتقل کند. در مقطع دوم با خروج نیروهای شوروی از افغانستان و معاهده بین دولت دکتر «نجیب‌الله» رئیس‌جمهوری این کشور با سازمان ملل متحد برای واگذاری قدرت به این نهاد در چارچوب طرح آشتی و مصالحه ملی متأسفانه سازمان ملل متحد نه‌تنها به تعهدات خود عمل نکرد بلکه قدرت‌های خارجی شریک در تعهد با گسیل جهادگرایان برای فتح کابل و نقض معاهده موفق به تشکیل «دولت مجاهدین» شدند. از آنجا که گروه‌های مجاهدین در بطن خود حامل تضادهای آنتاگونیستی بودند، ماه‌عسل مجاهدین زیاد طول نکشید و بعد از چند ماه با تشدید اختلافات همه روی هم اسلحه کشیدند و جناح شمالی «برهاندین ربانی» که کنترل کابل را در دست داشت، با محاصره و یک جنگ ویرانگر توسط جناح جنوبی «حکمتیار» مواجه شد که تقریبا بخش عظیمی از پایتخت را به ویرانه تبدیل کرد و سراسر افغانستان را هم به هرج‌ومرج کشاند. در مقطع سوم بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای ظاهرا راه‌حل را در یک مسیر میان‌بر دیدند و با سازماندهی، آموزش و تجهیز طلاب مدارس علوم دینی در پاکستان و مناطق جنوبی افغانستان ظهور «طالبان» را کلید زده و آن‌چنان سازمان‌یافته این نیروی جدید را وارد بازی کردند که در کمترین زمان ممکن کابل را فتح و حاکمیت خود را تقریبا در جنوب و مرکز کشور تثبیت کرد. مقطع چهارم اما از زمانی آغاز شد که به دلیل بروز اختلاف بین این رژیم قرون‌وسطایی با حامیان خارجی خود، متحد قدرتمند آنان موسوم به «القاعده» در یک سناریوی مرتبط با محافل تندرو اطلاعاتی - امنیتی آمریکا اقدام به عملیات یازدهم سپتامبر کرد و زمینه را برای لشکرکشی و حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان مهیا کرد. با اشغال افغانستان در کمتر از یک هفته توسط ائتلاف به رهبری آمریکا، تکنوکرات‌های فاسد در شراکت با مجاهدین شمالی کنترل کشور را در دست گرفتند که انتظار می‌رفت ثبات نسبی به این کشور جنگ‌زده بازگردد. اما به تجربه عینی اثبات شد که سناریونویسان جنگ افغانستان به هیچ عنوان درصدد ثبات‌بخشی و پایان‌دادن به هرج‌ومرج حاکم بر این کشور نبوده‌اند و هدف استفاده از این کشور برای بازی بزرگ‌تر در عرصه ژئوپلیتیک بین‌المللی بوده است. به همین دلیل بعد از یک مدت کوتاه دوباره اختلافات، تضادها و بازگشت باقی‌مانده طالبان به شطرنج سیاسی افغانستان کلید خورد و تا امروز با شدت و ضعف‌های ادواری همچنان ادامه دارد. چنانچه هم‌اکنون بیش از هر زمان دیگری در ساختار نیابتی حاکم و اپوزیسیون مسلح، تضادها در حال اوج‌گیری است و دولت مستقر «اشرف غنی» حتی قادر به ایجاد اجماع نظر در ساختار دولتی نیز نیست. در حالی که همچنان نیروهای نظامی آمریکا و ناتو در قالب ده‌ها پایگاه نظامی در این کشور حضور دارند و به اصطلاح ارتش ملی هم سازمان داده شده است، تقریبا همه‌روزه می‌توان شاهد بی‌ثباتی بیشتر و امکان فروپاشی ساختارهای حاکم بود. در شرایطی که در چند سال اخیر حملات طالبان به نهادهای دولتی، پاسگاه‌های ارتش و پلیس، اشغال بیش از ۳۰ درصد از خاک افغانستان توسط طالبان، ورود نیابتی هسته‌های گروه تروریستی «داعش» به کشور، تسویه‌حساب‌های سیاسی بین اضلاع حکومتی (به‌خصوص مورد اخیر بازداشت نظام‌الدین قیصاری نماینده ویژه ژنرال عبدالرشید دوستم) و اختلافات در دولت وحدت ملی در حال تشدید است، اما هنوز حتی کورسوی امیدی برای برون‌رفت از بن‌بست موجود دیده نمی‌شود. بنا بر گزارش رویترز، گویا به دلیل شکست استراتژی آمریکا در افغانستان، پنتاگون و کاخ سفید قصد بازنگری در استراتژی خود را دارند. اصولا راه‌حل خروج از بحران در افغانستان هیچ ربطی به استراتژی نظامی قدرت‌های خارجی ندارد چراکه بی‌ثباتی نهادینه‌شده در این کشور با بسیاری از عوامل سیاسی - اجتماعی عجین است که در چارچوب اهداف ذاتی هژمون‌های بین‌المللی، ادامه و استمرار وضع موجود در قالب راه‌حل‌های جنگی نه‌تنها پاسخ مشکل نخواهد بود که بیش از پیش افغانستان را به لبه پرتگاه سقوط نزدیک می‌کند. هم‌اکنون به یک اراده بین‌المللی بسیار فراتر از ائتلاف آمریکا - ناتو در کنار پاکسازی ساختار حاکمیتی برای گام اول نیاز است.

هم‌زمان با ادامه جنجال‌ها درباره دیدار پوتین و ترامپ

دعوت ترامپ از پوتین برای سفر به واشنگتن

«یک بار دیگر بگو، درست شنیدم؟»، این واکنش دن کوتس، رئیس اداره اطلاعات ملی آمریکا به خبر دعوت‌شدن ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، به آمریکا بود که از زبان آندره میتچل، یکی از خبرنگاران آمریکایی شنید. روز گذشته خبر جنجالی دعوت ترامپ از پوتین برای دیدار در واشنگتن بسیاری را مثل دن کوتس غافلگیر کرد.

روز گذشته کاخ سفید اعلام کرد که دونالد ترامپ از اعضای دولتش خواسته که رئیس‌جمهوری روسیه را برای دیداری رسمی به آمریکا دعوت کنند. سارا سندرز، سخنگوی کاخ سفید، اعلام کرد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به جان بولتون، مشاور امنیت ملی خود، مأموریت داده از ولادیمیر پوتین دعوت کند پاییز سال جاری برای دیداری کاری به کاخ سفید بیاید. آن‌طور که سندرز گفته هدف از این دیدار گفت‌وگو درباره برخی مسائلی است که در نشست هلسینکی مطرح شده است.

خبر دعوت از پوتین در حالی مطرح می‌شود که کاخ سفید هفته پرآشوبی را به خاطر اظهارات ترامپ در هلسینکی پشت سر گذاشت و ترامپ هم مجبور شد برای پاره‌ای توضیحات به کنگره برود و تا حدودی از حرف‌های خود عقب‌نشینی کند. با وجود این عقب‌نشینی دونالد ترامپ روز پنجشنبه و پیش از اعلام این خبر از سوی کاخ سفید، در توییتی نشست هلسینکی را «موفقیت بزرگی» دانست و تأکید کرد که مشتاق دیدار بعدی خود با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، است تا مباحث مطرح‌شده در هلسینکی را پیگیری کند.

ساعاتی پس از این دعوت غافلگیرکننده، آناتولی آنتونوف، سفیر روسیه در آمریکا، از آمادگی مسکو برای مذاکره درباره سفر احتمالی پوتین به واشنگتن خبر داد. آنتونوف گرچه گفت روسیه همواره از چنین پیشنهادی استقبال می‌کند، افزود که کرملین باید رسما به دعوت ترامپ از پوتین پاسخ دهد. آنتونوف همچنین گفته مهم است که ابتدا درباره نتایج گفت‌وگوهای دوجانبه پوتین با ترامپ در اجلاس هلسینکی مذاکراتی بین مقامات دو کشور انجام شود. هدف از این دیدار که احتمال دارد در ماه سپتامبر هم‌زمان با برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک برگزار شود، گفت‌وگو درباره جزئیات توافق هلسینکی و به‌اجرادرآوردن مفاد آن است.

او همچنین بر ازسرگیری مذاکرات دوجانبه میان وزرای امور خارجه و دفاع روسیه و آمریکا تأکید کرد و گفت: درحال‌حاضر زمان مناسبی برای ازسرگیری این گفت‌وگوها میان وزرای امور خارجه و دفاع دو کشور است. امیدوارم که سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه، با جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا و جوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، دیداری داشته باشد. اگر وزرای دفاع دو کشور با یکدیگر دیدار کنند و به بررسی مشکلات بپردازند، بسیار خوب خواهد بود.

در خبر جنجالی دیگری آنتونوف تصریح کرده است که رهبران آمریکا و روسیه به طور مشخص درباره برگزاری یک همه‌پرسی در اوکراین شرقی مذاکره خواهند کرد. انتشار این خبر نگرانی‌های آمریکایی‌ها را درباره جزئیات محرمانه توافق ترامپ و پوتین در نشست هلسینکی افزایش داده؛ هرچند سفیر روسیه در آمریکا گفته هیچ معامله سرّی و پنهانی‌ای در هلسینکی صورت نگرفته است.

ترامپ پیش‌تر در توییترش از مذاکره درباره اوکراین خبر داده بود؛ اما چیزی از برگزاری همه‌پرسی نگفته بود. از زمان الحاق کریمه به روسیه در سال ۲۰۱۴، روسیه و ایالات متحده در دو سوی منازعه قرار داشتند و در مقابل هم بودند. کشورهای غربی و اوکراین هنوز به این خبر واکنشی نشان نداده‌اند؛ اما آنها به توافق صلحی که سال ۲۰۱۵ در مینسک منعقد شد، پایدار بوده‌اند. این قرارداد صلح گرچه از شدت درگیری‌ها در این منطقه کاست؛ اما از رسیدن به راه‌حلی درازمدت برای این بحران ناکام ماند. پوتین و ترامپ درست در زمانی به یکدیگر نزدیک‌تر شده‌اند که روابط ایالات متحده و کشورهای اروپایی بحرانی است و رؤسای جمهور هر دو کشور منتقد اتحادیه اروپا و ناتو هستند. رهبران آمریکا و روسیه دوشنبه گذشته در هلسینکی پشت درهای بسته با هم دیدار و گفت‌وگو کردند؛ دیداری که به خاطر آن دونالد ترامپ در اروپا و آمریکا مورد انتقادات وسیع قرار گرفته و محتوای دقیق آن هنوز حتی برای مقامات عالی‌رتبه آمریکا نامعلوم است. به طور کلی، گسترش منع سلاح‌های هسته‌ای و در این چارچوب خلع سلاح هسته‌ای کره‌شمالی و همچنین برجام، امنیت اسرائیل در خاورمیانه، مبارزه با تروریسم و همکاری نظامی در سوریه از موضوعات مورد گفت‌وگو در این دیدار پرحاشیه و پرباز‌تاب بوده است.

در این میان بحث‌های رسانه‌های آمریکایی در حوزه روسیه فقط به دعوت‌شدن پوتین از سوی ترامپ برای سفر به واشنگتن محدود نمی‌ماند. در زمان دیدار رؤسای جمهور روسیه و آمریکا، ولادیمیر پوتین به ترامپ پیشنهاد داده بود که برای رسیدگی به پرونده دخالت روسیه در انتخابات آمریکا کارگروه مشترکی از سوی متخصصان دو کشور تشکیل شود و بازرسان آمریکایی به مسکو بروند و در تحقیقات از متهمان این پرونده حضور داشته باشند. اما نکته جنجالی درخواست دیگر پوتین از ترامپ بود که پیرو همین خواسته مطرح می‌شد: بازجویی از ۱۱ شهروند آمریکایی از جمله مایکل مک‌فال، سفیر سابق آمریکا در روسیه در ارتباط با یک پرونده قضائی در روسیه. بر اساس گزارش‌ها دست‌کم دو دیپلمات پیشین، یکی از کارکنان شورای امنیت ملی، دو کارمند اداره امنیت کشور، یک عامل سیا و یک کارمند کنگره جزء افراد موردنظر پوتین برای بازجویی در این پرونده بوده‌اند.

طبق پیشنهاد پوتین، روسیه در مقابل موافقت آمریکا با بازجویی بازرسان روسی از چندین شهروند آمریکایی که مسکو آنها را متهم به فعالیت‌های غیرقانونی در خاک روسیه کرده، با بازجویی ۱۲ شهروند خود که در جریان تحقیقات بازرس رابرت مولر در ارتباط با دخالت ادعایی آنها در انتخابات نوامبر دو سال پیش به دادگاه معرفی شده‌اند، موافقت خواهد کرد.

گرچه ترامپ در ابتدا و در نشست هلسینکی از تشکیل این کارگروه استقبال کرده بود، سارا سندرز روز پنجشنبه به وقت آمریکا در بیانیه‌ای ضمن «صادقانه»خواندن این پیشنهاد پوتین، گفت ترامپ با آن مخالف است.

سندرز در ادامه ابراز امیدواری کرد که رئیس‌جمهور روسیه بگذارد ۱۲ شهروند روسی که از سوی مقامات قضائی آمریکا به مداخله در انتخابات آمریکا متهم شده‌اند، برای رسیدگی به اتهاماتشان به آمریکا بیایند.

اندکی پس از اعلام مخالفت ترامپ با درخواست مسکو برای بازجویی از مایکل مک‌فال، سنای آمریکا نیز به اتفاق آرا لایحه‌ای را به تصویب رساند و به دونالد ترامپ هشدار داد که اجازه ندهد از دیپلمات‌ها و مقام‌های آمریکایی بازجویی کند. این لایحه که الزام‌آور به شمار نمی‌آید، با رأی ۹۸ بر صفر به تصویب رسید. مک‌فال دقایقی بعد از این رأی در توییتر از حمایت سناتورهای کنگره کشورش تشکر کرد.

ساعاتی پیش از تصویب این لایحه سناتور چاک شومر که به همراه رابرت منندز و برایان شتز این لایحه را تنظیم کرده بودند، در توییترش در حمایت از مک‌فال نوشت: «هیچ رئیس‌جمهوری نباید قدرت این را داشته باشد که شهروندان آمریکایی را کادوپیچ کند و برای دشمنانمان بفرستد، چه برسد به اینکه این شهروندان سفرای سابقمان باشند». مک‌فال که در دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ سفیر آمریکا در روسیه بود، از منتقدان جدی پوتین و وضعیت حقوق بشر روسیه است.

بیل برائودر، تاجر و از منتقدان جدی ولادیمیر پوتین که سال‌ها در روسیه زندگی و کار کرده، یکی دیگر از کسانی است که مسکو به دنبال بازجویی از اوست. بازرسان روسیه برائودر را به فساد مالی و فرار مالیاتی متهم می‌کنند اما خود او می‌گوید کرملین بابت نقش او در رسوایی دولت روسیه در جریان قضیه فرزندخواندگی کودکان روس در آمریکا عصبانی است.

اسرائیل قانون جنجالی «کشور یهود» را تصویب کرد

تصویب قانون جنجالی «کشور یهود» از سوی مجلس رژیم اسرائیل با اعتراض تشکیلات خودگردان و گروه‌های فلسطینی و ابراز نگرانی اتحادیه اروپا روبه‌رو شد. براساس این قانون که ابتدا در کابینه رژیم اسرائیل و سپس در کنست (مجلس اسرائیل) با اختلاف هفت رأی تصویب شد، «این کشور منحصرا به‌عنوان کشوری یهودی با شهروندانی یهودی خواهد بود و بیت‌المقدس نیز پایتخت و عبری تنها زبان رسمی آن به شمار می‌آید». نمایندگان عرب کنست در جلسه هشت‌ساعته برای رأی‌گیری در مورد این قانون به تصویب آن اعتراض کردند و آن را باعث پایمال‌شدن حق فلسطینی‌ها دانستند. فلسطینی‌ها بیت‌المقدس شرقی را پایتخت خود می‌دانند و بر همین اساس در پی انتقال سفارت ایالات متحده از تل‌آویو به بیت‌المقدس اعتراض‌های گسترده‌ای در سرزمین‌های اشغالی صورت گرفت. شرق بیت‌المقدس در جریان جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷ به اشغال رژیم اسرائیل درآمد. از سوی دیگر بیش از ۱.۵ میلیون شهروند عرب اسرائیلی (فلسطینی‌های ساکن سرزمین‌های تحت حاکمیت اسرائیل) که حدود ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، به زبان عربی سخن می‌گویند و تصویب این قانون باعث می‌شود زبان عربی دیگر یک زبان رسمی مناطق تحت حاکمیت رژیم اسرائیل محسوب نشود. پیش از تصویب این قانون شهروندان عرب اسرائیلی نسبت به تبعیض رژیم تل‌آویو شکایت داشتند. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم اسرائیل با وجود اینکه برخی بندهای این قانون را قبل از ارائه به مجلس حذف کرد اما تصویب آن را مورد ستایش قرار داد. تشکیلات خودگردان و گروه‌های مقاومت فلسطینی نسبت به تصویب قانون «کشور یهود» به‌طور گسترده اعتراض کردند. در بیانیه‌ای که تشکیلات خودگردان منتشر کرد، تأکید شده است که «این قانون از وجهه تبعیض‌آمیز و اشغالگر اسرائیلی پرده برداشته و با تمام قطع‌نامه‌های مشروع بین‌المللی مغایرت دارد. تصویب این‌گونه قوانین تبعیض‌آمیز وضعیت بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت کشور فلسطین را تغییر نخواهد داد و فلسطینی‌ها به مبارزه خود برای پایان‌دادن به اشغالگری و تشکیل کشور ادامه خواهند داد». تشکیلات خودگردان فلسطین «حق مردم فلسطین برای بازگشت به سرزمین خود را حقی ثابت و غیرقابل تغییر» دانست و از جامعه بین‌الملل خواست تا برای توقف این نژادپرستی وارد عمل شود. «یوسف الحساینه» یکی از رهبران جنبش جهاد اسلامی فلسطین هم قانون دولت یهود را «سرشار از نفرت‌پراکنی و نژادپرستی» دانست و هشدار داد که «این قانون بار دیگر اثبات می‌کند که رژیم اسرائیل قصد ازبین‌بردن موجودیت فلسطین را دارد و با این قانون زمینه برای مصادره بخش‌های بیشتری از کرانه باختری و ایجاد شهرک‌های صهیونیست‌نشین فراهم خواهد شد. با اجرائی‌شدن این قانون، کوچ اجباری فلسطینی‌ها نه‌تنها در بیت‌المقدس بلکه در تمام سرزمین‌های اشغالی شدت خواهد گرفت. «فوزی برهوم» سخنگوی جنبش حماس هم تصویب این قانون را «با هدف مشروعیت‌بخشی رسمی به نژادپرستی رژیم اسرائیل و علیه موجودیت فلسطین، حق تاریخی فلسطینی‌ها دانست». سخنگوی حماس گفت: «اگر سکوت جامعه بین‌الملل در قبال جنایات رژیم اشغالگر و تجاوزهایش نبود و اگر حمایت نامحدود آمریکا از نژادپرستی این رژیم نبود، این قوانین و تصمیمات نژادپرستانه تصویب نمی‌شد». در خارج از سرزمین‌های اشغالی هم تصویب این قانون با انتقاد و ابراز نگرانی روبه‌رو شد. فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با اعلام این نکته که «پیش از تصویب این قانون به مقام‌های اسرائیلی هشدار داده بودیم» گفت: «ما درخصوص سخنانمان درباره راهکار تشکیل دو کشور کاملا شفاف بودیم و ما معتقدیم که این تنها راهکار برای پیشبرد اوضاع است و باید از هر گامی که این راه‌حل را پیچیده کند، اجتناب کرد». اتحادیه عرب هم تصویب قانون «کشور یهود» را محکوم و اعلام کرد، «این قانون باطل و مردود بوده و هیچ مشروعیتی را برای رژیم اشغالگر به ارمغان نخواهد آورد».

موافقت با «سند مصر»

هم‌زمان با تحولات نگران‌کننده در سرزمین‌های اشغالی، جنبش حماس از موافقت با «سند مصر» برای برقراری آشتی ملی فلسطین و پایان‌دادن به اختلاف‌ها میان کرانه باختری و نوار غزه خبر داد. دولت قاهره اخیرا طرحی را برای آشتی میان فتح و حماس ارائه کرده بود که قرار است در چهار مرحله به اجرا درآید. براساس این طرح، مجازات‌ها و تحریم‌های اعمال‌شده علیه حماس که بر نوار غزه کنترل دارد، متوقف خواهد شد و از جمله حقوق کارمندان این منطقه به صورت کامل پرداخت خواهد شد و مشکلات بودجه وزارتخانه‌ها و نیروگاه‌های برق غزه برطرف و رایزنی‌ها برای تشکیل دولت وحدت ملی نیز آغاز خواهد شد تا این دولت حداکثر در مدت پنج هفته تشکیل شود. کمیته‌های امنیتی در کرانه باختری و نوار غزه تحت نظارت مستقیم مصر برای بررسی مسائل امنیتی و اتخاذ سازوکارهای مربوطه تشکیل جلسه می‌دهند و فعالیت خود را آغاز می‌کنند. کمیته‌های قضائی و اراضی نیز زیر نظر مصر تشکیل می‌شوند. در جریان این تحولات نشست کمیته احیا و بازسازی سازمان آزادی‌بخش فلسطین نیز در قاهره و با تمرکز بر توافق‌های سال ۲۰۱۱ برگزار خواهد شد تا سازوکار مناسب برای اجرای توافق‌ها در مورد انتخابات و پارلمان فلسطینی، شورای ملی، آشتی اجتماعی و آزادی‌های عمومی در کرانه باختری و نوار غزه ایجاد شود.

خبر

پادشاه عربستان از قدرت کنار نمی‌رود

● برخی منابع نزدیک به دربار پادشاهی عربستان گفتند: «سلمان بن عبدالعزیز» با وجود بیماری حاضر به ترک قدرت نیست. به گزارش ایرنا، پایگاه اطلاع‌رسانی «الخلیج الجدید»، به نقل از برخی منابع نزدیک به دربار عربستان نوشت: شاه سعودی در یک جمع خصوصی گفته ضرورتی برای انتقال قدرت به ولیعهد نمی‌بیند و گمان می‌کند همچنان می‌تواند به وظایفش عمل کند. این منبع می‌افزاید: آزمایش‌های پزشکی به‌عمل‌آمده از پادشاه عربستان در اواخر هفته گذشته نشان داد که او به «خستگی مفرط و تنگی نفس شدید» مبتلا است. گفته می‌شود سلمان بن عبدالعزیز بخش زیادی از ملاقات‌های خود با خاندان سلطنتی را لغو کرده اما حاضر نشده به خارج از کشور سفر کند. در یک سال گذشته تمامی امکانات برای جایگزینی احتمالی ولیعهد فراهم شده و تصور می‌شد که سلمان به‌زودی کناره‌گیری از قدرت به نفع پسرش را اعلام کند؛ اما ناظرین امور عربستان می‌گویند: برخی اقدامات ولیعهد ماجراجو از جمله زندانی‌کردن شمار زیادی از اعضای خاندان سلطنتی و شکست در جریان حمله نظامی به یمن، موجب شده سلمان درباره واگذاری قدرت به فرزندش همچنان تردید داشته باشد.

اروپایی‌ها به واشنگتن می‌روند

● دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا می‌گوید رهبران اتحادیه اروپا از جمله ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا به واشنگتن می‌آیند تا برای حصول توافقی که عمدتا بر تعرفه‌های صنعت خودروسازی متمرکز است، تلاش کنند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از رویترز، او دراین‌باره گفت: آنها ۲۵ جولای می‌آیند تا با ما مذاکره کنند. به آنها گفته‌ایم اگر مذاکره عادلانه‌ای نباشد، بدجوری تلافی می‌کنیم که البته مایل به انجام این کار نیستیم؛ حال آنکه از قدرت عظیمی برخوردار هستیم.

تعرفه اتحادیه اروپا بر خودروهای وارداتی ۱۰ درصد است، درحالی‌که تعرفه فعلی آمریکا بر خودروهای اروپایی ۲.۵ درصد است؛ امری که از نظر ترامپ کاملا ناعادلانه است و او را به تهدید برای افزایش این رقم به ۲۵ درصد واداشته است.